



قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در پرتو اصول حقوق کیفری

سید علیرضا میرکمالی

استادیار، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Sarmirkamali54@gmail.com

فائزه خلفی

دانش آموخته کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

Faeze.khalafi1370@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: ایران در سال‌های اخیر با بحرانی به نام کاهش میزان مولید و رشد جمعیت مواجه شده است. این مساله باعث ایجاد چالش‌های بسیار زیادی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گردید.

روش تحقیق: مقاله حاضر به روش توصیفی - تحلیلی، موادی از قانون مذکور را مورد نقد و بررسی قرار داده است.

یافته‌ها: مجلس شورای اسلامی در راستای حل این بحران و رفع این چالش‌ها اقدام به تصویب قانونی به نام «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» نمود که برخی مواد قانونی آن چالش برانگیز شد.

نتیجه: این قانون در کنار سازوکارهای تشویقی فراوانی که فراهم آورده، تدابیر تنبیهی نیز اتخاذ نمود و مجازات‌های شدیدی را وضع کرده است که با اصل برابری و تناسب جرم و مجازات و همچنین با اصل حداقل‌گرایی کیفری در تعارض می باشد؛ از جمله ماده ۵۸ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که به مجازات سنگین‌تر درجه سه موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ اشاره دارد و یا ماده ۶۱ این قانون که مجازات جرم «افساد فی الارض» را برای سقط جنین در نظر گرفته است.

کلیدواژه: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، سقط جنین، تناسب جرم و مجازات، حداقل‌گرایی کیفری



مقدمه

در سال‌های گذشته روند کاهش جمعیت ایران شیب نسبتاً تندی به خود گرفته است. رشد کنترل شده جمعیت، همواره نقش مهمی در توسعه‌ی یک کشور داشته و یکی از عوامل موثر بر رشد اقتصادی در بلندمدت است (محرابیان و صدقی سیگارچی، ۱۳۸۹). توجه مسئولان عالی نظام به ضرورت تعدیل سیاست‌های جمعیتی کشور امری مثبت است و چنانچه سیاست‌های جدید به درستی اتخاذ و اجرا گردند، به نتایج با ارزشی برای کشور منجر خواهند شد. با این حال، باید توجه داشت که تعدیل و تغییر سیاست‌های جمعیتی و برنامه ریزی برای آینده مستلزم مطالعات جامع، تخصصی و عمیق جمعیتی است. نگرانی سیاست‌گذاران در دو دهه اخیر نسبت به کاهش رشد جمعیت کشور، موجب شد که طرح و سیاست‌های متعددی جهت تغییر این روند پیشنهاد گردد. در این راستا مجلس شورای اسلامی در آبان ماه ۱۴۰۰ اقدام به تصویب قانونی به نام «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در راستای مقابله با کاهش رشد جمعیت نمود.

این قانون بیانگر آخرین اراده قانون‌گذار جهت تغییر این روند است. قانون مذکور در کنار تدابیر حمایتی و تشویقی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های مختلفی در زمینه غربالگری، ارائه وسایل پیشگیری از بارداری، عقیم‌سازی و سقط جنین قانونی در نظر گرفته است. در کنار این موارد همانند اغلب قوانین خاص، استفاده از تدابیر کیفری نیز مدنظر قانون‌گذار بوده و تلاش شده است از طریق آن، هدف اصلی تدوین‌کنندگان قانون یعنی افزایش جمعیت محقق شود. با این حال، مداخلات کیفری قانون‌گذار در برخی مواد این قانون از جهات مختلف محل ایراد است (مقدسی و روستایی، ۱۴۰۰: ۳۱۲). کیفر و مجازات گرچه به عنوان اولین و آسان‌ترین طریق برای مواجهه با جرم و مقابله با مجرم برگزیده شده است، اما این که این نهاد باید متصف به چه اوصاف و منطبق با چه ویژگی‌هایی باشد، همواره محل مناقشه و ابراز دیدگاه‌های گوناگون بوده است. آنچه بیش از همه در تحولات کیفر نقش داشته و تاریخ این نهاد را مشحون از تنوع نظریات ساخته است، بحث تناسب مجازات با شدت جرم ارتكابی می‌باشد. مطالعه این موضوع در دوره‌های مختلف نمایانگر آن است که بشر گاهی درصدی به اوج رساندن این وصف کیفر و گاهی درصدی تعدیل آن بوده است. به اعتقاد بسیاری از جرم‌شناسان، مطالعه پدیده جرم مستلزم بررسی شخصیت بزهدار، حالت خطرناک و انگیزه‌های اوست. به همین علت است که جامعه به منظور واکنش متناسب در مقابل جرم و ایمن‌سازی خود نباید در انتظار وقوع جرم بماند؛ بلکه باید احتمال وقوع خطر را پیش‌بینی نموده و با واکنشی اصولی در راستای پیشگیری، از ابزارهای علمی و کاربردی جهت مهار آن بهره‌کافی را ببرد (مؤمنی و همکاران، ۱۴۰۰: ۴). در این راستا جرم‌شناسان همواره در تلاشند که در این حوزه با هدایت دولت به سمت اتخاذ یک سیاست جنایی مطلوب و منطقی، به مدیریت و مهار پدیده مجرمانه کمک نمایند. چیزی که در جوامع معاصر یک قاعده را به خاصیت حقوقی متصف می‌دارد، نه از تصمیم قانون‌گذاران، بلکه از این است که شعور و خودآگاهی افراد جماعت حتی به طور مبهم و غیر واضح، لزوم اجرای این قاعده را احساس نماید (Javan, ۱۹۵۰: ۳۲۸). توجیه مجازات بر این مبنا نیست که بازدارنده است، بلکه ابزار انزجار شدیدی است که جامعه نسبت به یک جرم دارد (Hart, ۲۰۰۹: ۱۰۰-۹۷). اکثر نظام‌های حقوقی در جهان بر این باور هستند که مجازات کردن تنها راه واکنش در برابر جرایم نیست؛ بلکه پاسخ پیش‌دستانه به جرم و بهره‌گیری از اقدامات پیشگیرانه، می‌تواند مکمل مجازات‌ها و یا جایگزین آن‌ها باشد. همچنین بسیاری از نظام‌های کیفری موفق در جهان، با قطعیت بر این باورند که تعیین مجازات متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر گام نهادن در مسیر اجرای عدالت، باعث ایجاد تأثیرات قابل توجهی در زمینه پیشگیری اجتماعی از پدیده مجرمانه می‌گردد (مهندس، ۲۰۰۴: ۵۹).

این نکته را نیز باید در نظر داشت که زمانی میتوان در مهار جرم و جنایت در یک جامعه، مدال موفقیت را بر گردن دولت نهاد که با حداقل خسارات معنوی و مادی ممکن بتواند در این مسیر مهم گام بردارد. بی تردید، از جمله راهبردهای اساسی ارتقاء کارآمدی و بهبود عملکرد سیاست جنایی یک کشور، اصلاح نهادهای کیفری و روزآمد سازی کارکرد این نهادها می‌باشد. در همین راستا، اساسی سازی توسل به «حداقل‌گرایی کیفری» و شناسایی این رویکرد به عنوان یک «اصل حقوقی»، از جمله



راهبردهایی است که می‌تواند در تحقق اهداف پیش گفته، نقشی محوری داشته باشد (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸: ۱۴۹). این مهم بدان خاطر است که قانون کیفری، ارزش‌ها را نمی‌افزاید بلکه باید از ارزش‌های موجود در جامعه تبعیت کند و در واقع قانون کیفری باید در جامعه و از جامعه و برای جامعه باشد. لازمه درونی بودن قانون و مشروعیت و مقبولیت آن، این است که قانون باید چیزی را ممنوع کند که از نظر اخلاق متعارف و عمومی، ناپسند باشد. با توجه به این معیارها همچنین بحث‌های مطرح در جامعه ما، باید در مورد سرزنش عمومی عمل سقط جنین تردیدهای جدی داشت (فلاحی، ۱۴۰۱: ۲۱۲).

با این حال در ایران، سیاست جنایی مقابله با کاهش رشد جمعیت با مجازات‌های سنگینی از جمله مجازات تعزیری درجه سه تا شش موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ همراه می‌شود. (ماده ۵۸ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت) و حتی گاهی مجازات جرم «افساد فی الارض» برای برخی عناوین مجرمانه آن (ماده ۶۱ قانون فوق الذکر) تعریف شده که با اصل تناسب جرم و مجازات و اصل حداقل‌گرایی کیفری نیز در تعارض است.

در این مقاله، با تکیه به اصل حداقل‌گرایی کیفری (اصل کمینگی) و همچنین اصل تناسب جرم و مجازات به بررسی و نقد این رویکرد سخت‌گیرانه کیفری در قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و همچنین دیگر آثار مخرب احتمالی ناشی از تصویب برخی از مواد این قانون پرداخته می‌شود.

۱- مفاهیم

۱-۱. تناسب جرم و مجازات

مجازات، عکس‌العملی است که در برابر انجام فعل غیر قانونی و مخل قوانین و نظم جامعه صورت می‌گیرد. این نکته را باید در نظر گرفت که اجرای مجازات باید با جرم ارتكابی متناسب بوده و منافاتی با رعایت کرامت انسانی نداشته باشد. اصل تناسب جرم و مجازات در مواد ۷۶ و ۷۸ اساسنامه و ماده ۱۴۵ آیین دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفته است. با این توضیح که مجازات باید با توجه به جرم ارتكابی، وضعیت بزه دیده و بزه‌کار، برقراری توازن رفتاری در اجتماع و بازدارندگی از تکرار جرم و همچنین بازپروری، به منظور دستیابی به اهداف کیفری موثر و مفید باشد. مجرم، قربانی و اوضاع و احوال ارتكاب جرم، در هنگام تصمیم‌گیری برای مجازات باید در نظر گرفته شود. از آن جا که مجازات، ضمانت اجرای قواعد حقوقی است و به منظور برقراری نظم عمومی در جامعه انجام می‌شود، مجرم فقط به واسطه ی جرمی که انجام داده است، باید کیفر گردد، نه فراتر از آن.

جرم و مجازات منحصر به زمان حال نبوده و از گذشته رواج داشته است. از همان زمان تاکنون جوامع بشری همواره با این چالش رو برو بوده اند که چگونه می‌توان بین جرم و مجازات تناسب عادلانه ای ایجاد کرد؟ این تناسب شاید از دید یک ملت با ملت دیگر متفاوت باشد. به عنوان مثال؛ مجازاتی که در کشورهای مختلف در نظر گرفته می‌شود متفاوت است. اما به طور کلی حقوق بشر با مجازاتی که آزار و اذیت شدید را برای مجرم فراهم کند مخالف است. در مورد جرم و مجازات، نظریات و آرای متعددی ارائه گردیده و همچنین مکاتب مختلف راهکارهای متعددی را ارائه نموده اند. اما نظریه ای که مکرراً متفق القول است، اصل تناسب جرم و مجازات می‌باشد که نتیجه روح عدالت طلبی جوامع بشری است. این اصل اعلام می‌کند که، میزان مجازات باید متناسب با شدت جرم ارتكابی باشد. لذا عادلانه بودن مجازات وقتی محرز می‌شود که با مجرمان، متناسب با شدت جرم ارتكابی آنان برخورد گردد. به عنوان مثال؛ برای کسی که جرمش، نتایج زیان‌آور فراوانی را به همراه داشته است، مجازاتی درخور این جرم در نظر گرفته می‌شود. به جز این مورد باید نکات دیگری نیز چون بازدارندگی مجازات، فردی بودن مجازات، نقش تربیتی مجازات و عدم تکرار مجدد آن و ... در مجازات مجرم، مورد توجه قانون‌گذاران قرار گیرد.



۲-۱. اصل حداقل‌گرایی کیفری

اصل حداقل بودن حقوق جزا به عنوان یکی از اصول بنیادین این دانش، با تاکید بر آثار سوء مصرف مفاهیم و نهادهای حقوق کیفری، در تلاش است تا ضمن تعیین نمودن قلمرو مداخلات کیفری، امکان حضور و به کارگیری سایر ابزارها و نهادهای کنترل اجتماعی را مهیا سازد (غلامی، ۱۳۹۱: ۴۱). این اصل مبنای ظهور رویکردی است که در سیاست‌گذاری جنایی از آن تحت عنوان رویکرد حداقلی (کمینگی) یا تقلیل‌گرای یاد می‌شود. اصل حداقل‌گرایی کیفری بیانگر آن است که در مقابل رویارویی با ناهنجاری‌های اجتماعی، جرم‌انگاری این‌گونه رفتارها باید در آخرین مرحله از اعمال واکنشی قرار گیرد. توجیه جرم‌انگاری‌ها و مجازات‌ها از وظایف اصلی و ابتدایی هر نظام کیفری است. اصل مذکور برگرفته از نظریه فلسفی لیبرالیسم است و به شکلی متفاوت به تکوین حقوق جزای حداقلی می‌پردازد که با نظام‌های حداکثری در تقابل قرار می‌گیرد.

اصل حداقل بودن حقوق جزا متضمن آن است که توسل به ضمانت اجرای کیفری ناگزیرترین راه است؛ به طوری که هیچ ابزار دیگری وجود نداشته باشد (غلامی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۲). به عبارت دیگر، اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری حکایت از آن دارد که در رویارویی با انحرافات، جرم‌انگاری آخرین راه حل است (همان: ۴۳). به کارگیری درست و هدفمند این اصل در چارچوب دو قلمرو جرم‌زدایی و کیفرزدایی می‌تواند در تضمین آزادی‌های اجتماعی، پیشگیری از تورم کیفری و قضایی، کاهش هزینه‌ها و منابع لازم برای کیفر و مجازات و رسیدگی به مجرم‌ان، جرم‌زدایی از برخی جرایم، ایجاد مجازات‌های جایگزین حبس و مجازات‌های اجتماعی و ... مؤثر واقع شود. می‌توان با قطعیت اذعان کرد که پذیرش این اصل، جوامع قانون‌مدار در حال توسعه را از پرداخت هزینه‌های گزاف‌گسترش جرم و تورم کیفری ناشی از سیاهه قوانین متعدد و بعضاً غیر ضروری معاف می‌نماید. بدون شک برای رویارویی با یک نظام کیفری کارآمد، داشتن یک نظام جرم‌انگاری عادلانه و اصولی و همچنین مبانی شناخته شده، در تنظیم میزان مداخلات کیفری الزامی است. برخی از این اصول مانند اصل قانونی بودن مجازات‌ها، اصل قانونی بودن رسیدگی کیفری و اجرای مجازات‌ها به وفور در تنظیم قوانین مورد بحث و مذاقه قرار می‌گیرند، لکن برخی دیگر از این اصول، همچون اصل تناسب جرم و مجازات و اصل حداقل‌گرایی کیفری (اصل کمینگی) در تصویب قوانین و دکتترین حقوقی کمتر مدنظر واقع شده‌اند.

در آخر، می‌توان جرم‌انگاری را فرایندی گزینشی دانست که قانون‌گذار بر اساس مبانی و اصول مورد نظر خود و با در نظر گرفتن هنجارهای اجتماعی، معیارهای بین‌المللی و داده‌های جرم‌شناسی، رفتارهایی را ممنوع می‌نماید و در جهت حمایت از چنین فرایندی، به ضمانت اجرای کیفری که شدیدترین ضمانت اجراهاست، متوسل می‌گردد (میرکمالی، ۱۳۹۶: ۳۹۳).

۳-۱. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت

کاهش رشد جمعیت ایران باعث شد تا قانونی با عنوان «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» در ۲۴ مهر ۱۴۰۰ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید در ۲۴ آبان ۱۴۰۰ توسط رییس‌جمهور ابلاغ شد. این قانون دارای ۷۳ ماده است که در این پژوهش مواد این قانون و ارتباط آن با سیاست جنایی مورد بحث قرار می‌گیرد. البته لازم به ذکر است که پیشینه طرح جوانی جمعیت مربوط به سال ۹۲ است. در آن سال مجلس طرحی با عنوان طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده در و با هدف افزایش نرخ باروری به حداقل ۲٫۵ فرزند به‌زای هر زن با ۵۰ ماده از سوی نمایندگان تهیه نمود. با این حال این قانون پس از سال‌ها کشمکش بالاخره در سال ۱۴۰۰ در کمیسیون طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، بدون بررسی در صحن علنی مجلس تصویب و توسط دولت ابلاغ شد. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بر اساس اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت ۷ سال، در دهم آبان ۱۴۰۰ به تأیید شورای نگهبان رسید. در برخی از مواد این قانون، در برابر اقداماتی که قانون‌گذار آن را محصور کرده، جرم‌انگاری‌ها و ضمانت‌اجراهایی بعضاً شدید تعیین شده که با آنچه در اصل حداقل بودن حقوق جزا و اصل تناسب جرم و مجازات عنوان شد، در تضاد می‌باشد و قطعاً تبعات اجتماعی زیادی را به



دنبال خواهد داشت. این که این جرم‌انگاری غیر اصولی منجر به چه جرم‌زایی‌هایی می‌گردد، سؤالی است که در ادامه‌ی پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود.

۲- قانون جوانی جمعیت و تدابیر پیشگیرانه

در این قانون، اقدامات پیشگیرانه نیز مد نظر قرار داده شده که در مواد ۵۱ و ۵۲ به آن پرداخته شده است. ماده ۵۱ این قانون ادعان دارد که «هرگونه توزیع رایگان یا یارانه‌ای اقلام مرتبط با پیشگیری از بارداری و کار گذاشتن اقلام پیشگیری و تشویق به استفاده از آن‌ها در شبکه بهداشتی درمانی وابسته به دانشگاه‌های علوم پزشکی ممنوع می‌باشد». ماده ۵۲ این قانون نیز تاکید می‌کند که «عقیم‌سازی دائم زنان و مردان و یا مواردی که احتمال برگشت‌پذیری در آن‌ها ضعیف یا بسیار دشوار باشد (همچون بستن لوله‌ها) ممنوع است. عقیم‌سازی زنان در مواردی که بارداری برای مادر خطر جانی دارد یا ضرر مهم همچون عوارض جمعی جدی یا حرج (مشقت شدید غیر قابل تحمل) چه در دوران بارداری چه بعد از زایمان ایجاد می‌کند و راه دیگری هم وجود نداشته باشد و دفع ضرر یا حرج مذکور با پیشگیری‌های موقت امکان‌پذیر نباشد، از این امر مستثنی می‌باشد»

مطابق مواد ۵۱ و ۵۲ هرگونه توزیع رایگان و ارائه اقلام مرتبط با پیشگیری از بارداری و کار گذاشتن اقلام پیشگیری و تشویق به استفاده از آنها ممنوع بوده و ارائه‌ی داروهای هورمونی جلوگیری از بارداری در داروخانه‌های سراسر کشور باید با تجویز پزشک باشد. البته که عقیم‌سازی نیز در زنان و مردان ممنوع است. مواد ۵۱ و ۵۲ این قانون به صراحت، آزادی و حق انتخاب انسان‌ها را نقض کرده‌اند زیرا استفاده یا عدم استفاده از وسایل پیشگیری ارتباطی به هیچ کس ندارد و تنها در حوزه‌ی اختیار فرد قرار دارد و اساساً در صلاحیت قانون‌گذار نیز نیست که در این حوزه ورود کند و حریم خصوصی افراد را تحت سلطه‌ی قانون قرار دهد.

در این قانون هرگونه خرید، فروش و پخش داروهای سقط جنین خارج از سامانه ردیابی و رهگیری وزارت بهداشت مشمول مجازات درجه ۳ تا ۶ قانون مجازات‌های اسلامی (۶ ماه تا ۱۵ سال حبس) است و مطابق ماده ۶۱ این قانون «هر کس به هر عنوان به‌طور گسترده دارو، مواد و وسائل اسقاط غیر قانونی جنین را فراهم سازد یا معاونت و مباشرت به اسقاط غیر قانونی جنین به‌طور وسیع نماید یا در چرخه تجارت سقط جنین فعال و یا موثر باشد از مصادیق موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ محسوب می‌گردد. در مورد مجازات‌های در نظر گرفته شده در این قانون در بخش «قانون جوانی جمعیت، جرم‌انگاری و مجازات» توضیح داده خواهد شد. با این حال ماده ۶۱ قانون جوانی جمعیت بدون هیچ دلیلی که جرم بودن ورود وسایل پیشگیری را توجیه نماید اقدام به منع کسب و کاری می‌کند که استفاده از محصولات آن کسب و کار در حوزه‌ی حریم شخصی افراد است و از سوی دیگر با اصل بیست و هشتم قانون اساسی که می‌گوید: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند»، اساساً نیز در ماده ۶۱ قانون جوانی جمعیت مشخص نیست که بر چه اساسی قانون‌گذار به این نتیجه رسیده است که ورود و فروش وسایل پیشگیری از بارداری خلاف مصالح عمومی و اسلامی است؟

۳- قانون جوانی جمعیت، جرم‌انگاری و مجازات

قانون‌گذار در این طرح انجام بعضی از امور را که تا پیش از این جرم تلقی نمی‌شد و بنا به شروطی از مجرای قانونی قابل انجام بود (مانند سقط جنین) جرم پنداشته و در ماده ۵۶ این قانون می‌گوید: «سقط جنین ممنوع بوده و از جرایم دارای جنبه عمومی می‌باشد و مطابق مواد (۷۱۶) تا (۷۲۰) قانون مجازات اسلامی و مواد این قانون، مستوجب مجازات دیه، حبس و ابطال پروانه پزشکی است». در این ماده تفکیک چند مولفه ضروری است:

۱- مواد ۷۱۶ تا ۷۲۰ قانون مجازات اسلامی

۲- جرم‌انگاری و اعمال مجازات



برای درک بهتر موضوع باید به ماده ۷۱۶ استناد کرد. در این ماده آمده که «هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آن که عضو از کار بیافتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد». در این ماده، حبس از دو ماه تا شش ماه در نظر گرفته شده و باید دیه پرداخت شود. جالب این است که در این ماده «وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی» در کنار «صدمه بدنی» آورده شده است و قانونگذار در ماده ۵۶ این قانون، سقط جنین را در کنار این قبیل جرم‌ها مانند آسیب بدنی به دیگران قرار می‌دهد. به عبارت دیگر پزشکی که با رضایت زن اقدام به سقط کودک می‌کند برابر با فرد راننده‌ای است که به گونه‌ای به یک زن آسیب زده که موجب سقط فرزند او می‌شود. مقایسه‌ی مشابهی از رفتار اختیاری مادر و پزشک با راننده‌ی مست در ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مشاهده می‌شود: «هر گاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می‌کرده است یا آن که دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی موثر در تصادف به کار انداخته یا در محل‌هایی که برای عبور پیاده روعلامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننماید و یا از محل‌هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید».

مشخص نیست که به چه دلیل قانونگذار در ماده ۵۶ سقط جنین را جرم تلقی کرده و برای آن مجازاتی هم‌ردیف تصادف یک راننده‌ی مست با یک عابر یا نمونه‌های مشابه دیگر در نظر گرفته است. بی‌ربط‌تر از بقیه‌ی مواد قانونی، ارتباط ماده‌ی ۵۶ با ماده‌ی ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی است. در ماده ۷۱۹ قانون مجازات اسلامی تصریح شده که «هر گاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید»؛ که حقیقتاً ارتباط میان ماده‌ی ۵۶ قانون جوانی جمعیت و جرم‌انگاری آن با این ماده اصلاً مشخص نیست!!! و این سوال را کماکان در ذهن بوجود می‌آورد که تناسب مجازات سقط جنین با مجازات راننده‌ای که صحنه را ترک کرده چیست؟ و چرا باید اساساً افرادی که دیروز بر مبنای قانون اقدام به سقط جنین می‌کردند امروز عمل مجرمانه‌ای انجام می‌دهند؟

ماده‌ی ۶۱ قانون جوانی جمعیت نیز به جرم‌انگاری و مجازات تاکید دارد. در این ماده تاکید شده که «ارتکاب گسترده جنایت علیه تمامیت جسمانی جنین به قصد نتیجه یا علم به تحقق آن، به گونه‌ای که موجب ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی جنین‌ها یا مادران در حد وسیع گردد، مشمول حکم ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ می‌گردد». تبصره‌ی ۱ این ماده نیز به موضوع مجازات پرداخته است: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد ایراد خسارت عمده در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌شود».

برای درک عدم تناسب میان عمل و مجازات در این ماده باید به ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی رجوع شود زیرا این ماده، میزان مجازات ماده‌ی ۶۱ قانون جوانی جمعیت را مورد بررسی قرار داده است. در ماده‌ی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی آمده است: «هرکس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی



افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد».

بر مبنای مجازاتی که برای سقط جنین در نظر گرفته شده، این عمل موجب می‌گردد که فرد مفسد فی الارض شناخته شده و به اعدام محکوم شود. در میزان مجازاتی که در قانون جوانی جمعیت در نظر گرفته شده است هنوز این سوال بی‌پاسخ باقی مانده که چرا و طی چه مکانیسمی، عملی که تا دیروز از طریق مجاری قانون در همین نظام حقوقی انجام می‌شد؛ امروز در حکم افساد فی الارض تلقی شده و فرد را مستوجب اعدام می‌داند و او را در ردیف یک مجرم امنیتی می‌نشانند. در این تحقیق هر چه در مورد میزان ارتباط و تناسب میان عمل و مجازات اندیشیده شد؛ دلیلی برای چنین ارتباطی یافت نگردید.

در ماده‌ی ۷۱ نیز به بررسی مجازات استنکاف‌کنندگان از اجرای قانون تاکید شده است و برای آن‌ها حبس و جزای نقدی در نظر گرفته شده است: «مستنکفین از اجرای این قانون، علاوه بر جبران خسارات وارده و اعمال مجازات موضوع ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری به مجازات حبس یا جزای نقدی درجه چهار یا پنج موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ محکوم می‌شوند».

با تصویب و ابلاغ این قانون پزشکی قانونی موارد مشمول سقط را به کمیسیون سقط قانونی ارجاع می‌دهد. این کمیسیون از یک قاضی ویژه، یک پزشک متخصص و یک متخصص پزشک قانونی تشکیل شده است که قاضی با رعایت اصل عدم جواز سقط در موارد تردید، براساس دستورالعمل فقهی مربوط، با اکثریت آرا مشروط به اینکه قاضی عضو کمیسیون موافق آن باشد، اقدام به صدور رای می‌نماید، رای که قابلیت اعتراض ندارد. این اتفاق در حالی می‌افتد که تا پیش از این مطابق ماده واحده سقط درمانی مصوب ۱۳۸۴، سقط جنین با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین قبل از چهار ماه مجاز بود.

۴- چالش‌های قانونی جوانی جمعیت

قانون جوانی جمعیت از چند جنبه دارای مشکل است یکی از بزرگترین چالش‌های آن تعارض با فقه شیعه می‌باشد. در فقه و براساس قوانین اسلامی، سقط جنین قبل از ۴ ماهگی که هنوز روح در آن دمیده نشده، مجاز است و اگر افراد در سقط جنین پیش از ۴ ماهگی اختیاری نداشتند چنین چیزی پیشنهاد نمی‌گردد. این قانون با ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی نیز در تضاد است زیرا بر اساس این ماده، «جنایت عمدی بر جنین هر چند پس از حلول روح باشد موجب قصاص نیست. در این صورت مرتکب علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود». این در حالی است که مطابق ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت سقط جنین ممنوع بوده و از جرایم دارای جنبه عمومی می‌باشد و مطابق مواد (۷۱۶) تا (۷۲۰) قانون مجازات اسلامی و مواد این قانون، مستوجب مجازات دیه، حبس و ابطال پروانه پزشکی است. این در حالی است که ماده ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی از لفظ «جنایت وارد بر مادر» سخن می‌گوید. مسلم است که اقدام پزشک با رضایت مادر بوده و مشمول جنایت نیست و ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت در ارجاع به مجازات دارای نقص است.

از سوی دیگر تا زمانی که روح در بدن جنین وجود ندارد، جسمی فاقد روح است که از منظر فقهی نیز صاحب حق نمی‌باشد اما در ماده ۵۶ شرایطی را مقرر کرده که مادر تنها با این شرایط می‌تواند به مراکز درمانی جهت سقط مراجعه کند که این موضوع با آزادی افراد منافات دارد و قانون‌گذار صلاحیت ورود به این حوزه را ندارد. نکته‌ی مهم دیگر این است که صاحب جنین تنها مادر نیست و پدر نیز در تشکیل جنین نقش دارد اما این قانون تنها به مادر توجه دارد و اصلاً اشاره‌ای به پدر نداشته است.

نکته‌ی دیگر این که در این قانون این است که مطابق تبصره ۴ ماده ۵۶ «چنانچه پزشک یا ماما یا داروفروش، خارج از مراحل این ماده وسایل سقط جنین را فراهم سازند یا مباشرت به سقط جنین نمایند علاوه بر مجازات مقرر در ماده (۶۲۴) قانون مجازات اسلامی، پروانه فعالیت ایشان ابطال می‌شود. قانون‌گذار اساساً در این بند متوجه پیامدهای چنین اقدامی نبوده است. مجرم



شناختن پزشک یکی از خطرناک‌ترین اقدامات پیشگیرانه می‌باشد زیرا باعث می‌شود زنانی که تمایل به سقط جنین دارند در شرایطی اقدام به این کار نمایند که به دلیل غیر بهداشتی بودن، سلامت آن‌ها به خطر بیفتد علاوه بر این در تبصره ۴ این ماده، به داروفروش نیز اشاره شده است در حالی که نمی‌توان جرم داروفروش را اثبات نمود زیرا وی تهیه دارو را با نسخه پزشک انجام خواهد داد.

مرخصی زایمان مادران نیز یکی دیگر از مواردی است در قانون جوانی جمعیت چالش برانگیز است زیرا دولت مکلف به افزایش مرخصی زایمان نیست و در بند اول ماده ۱۷ این قانون ذکر شده «در مواردی که مرخصی زایمان موجب اختلال در کار بخش خصوصی گردد، پس از تأیید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی هزینه تحمیل شده توسط دولت جبران خواهد شد». چنین ماده‌ای عملاً دست بخش خصوصی را برای اخراج زنان باز می‌گذارد و هیچیک از آن‌ها را مجبور به حفظ حقوق و امنیت شغلی کارکنان خود نمی‌کند و بار این حقوق را به عهده‌ی دولت می‌گذارد که این موضوع با توجه به قدرت دولت عملاً بی‌معنا و فاقد ضمانت اجرایی است.

در ماده ۵۳ این قانون، ارجاع زنان باردار به غربالگری تخلف محسوب نمی‌شود و حالتی اختیاری پیدا کرده است. این اقدام قانون‌گذار شرایط را برای تولد کودکان بیمار یا ناقص به شدت افزایش خواهد داد و ذخیره‌ی ژنتیکی کشور را با چالش‌های زیادی مواجه خواهد کرد زیرا ژن‌های معیوب افزایش خواهند یافت. در تبصره ۳ این ماده، پزشک نمی‌تواند مادر را ملزم به انجام غربالگری ژنتیک نماید زیرا تنها به درخواست یکی از والدین و «تشخیص» پزشک متخصص اشاره شده است، در حالی که پزشک باید به نظر خود عمل کند نه به نظر مراجعه کننده زیرا مراجعه کننده صلاحیت تشخیص پیامدهای اقدام خود را ندارد.

تبصره ماده ۵۱ مقرر کرده «هرگونه ارایه داروهای جلوگیری از بارداری در داروخانه‌های سراسر کشور و شبکه بهداشت و کار گذاشتن اقلام پیشگیری، باید با تجویز پزشک باشد». این تبصره علاوه بر این که دخالت در شخصی‌ترین بخش زندگی مردم است و اساساً دولت فاقد وجاهت قانونی برای تعیین تکلیف از این طریق برای شهروندان است زیرا در این زمینه نه سقط اتفاق می‌افتد و نه می‌تواند مخل نظم اجتماعی باشد از سوی دیگر خرید وسایل پیشگیری مقوله‌ای است که نمی‌توان اقدام برای خرید آن را جرم دانست اما قانون‌گذار بدون هیچ دلیل روشنی خرید و فروش وسایل بهداشتی را ممنوع کرده که مغایر با حقوق ملت در قانون اساسی است.

نتیجه‌گیری

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد ایران در سال‌های گذشته شدیداً با بحران جمعیتی مواجه شده است. بحرانی که احتمالاً ایران را دچار حفره‌ی جمعیتی خواهد کرد و کشور را به صورت بسیار طولانی در مشکلات اقتصادی و اجتماعی گسترده فرو خواهد برد. مجلس شورای اسلامی در راستای حل این بحران و رفع این چالش‌ها اقدام به تصویب قانونی به نام «قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» نمود که برخی مواد قانونی آن چالش برانگیز شد. این قانون در کنار سازوکارهای تشویقی فراوانی که فراهم آورده، تدابیر تنبیهی نیز اتخاذ نمود و مجازات‌های شدیدی را وضع کرده است که با اصل برابری و تناسب جرم و مجازات و همچنین با اصل حداقل‌گرایی کیفری در تعارض می‌باشد؛ از جمله ماده ۵۸ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که به مجازات سنگین تعزیری درجه سه موضوع ماده (۱۹) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ اشاره دارد و یا ماده ۶۱ این قانون که مجازات جرم «افساد فی الارض» را برای سقط جنین در نظر گرفته است.

به نظر می‌رسد این قانون زمینه‌های ایجاد جرم نیز را در بخشی از جامعه ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر این طرح به شدت با اصل ۱۹ قانون اساسی که می‌گوید «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود». این قانون به شدت اختلاف طبقاتی در جامعه را از نظر کمی افزایش خواهد داد زیرا ثروتمندان در برخورداری از بسیاری از امکانات با فرودستان برابر نیستند از این رو امکاناتی که آن‌ها در اختیار دارند باعث خواهد



شد که از فرزندآوری ناخواسته جلوگیری کنند در حالی که فرودستان از چنین امکاناتی محروم هستند از این رو تعداد افرادی که در طبقه‌ی فرودست جامعه به دنیا می‌آید بیشتر از افرادی خواهد بود که در طبقه‌ی مرفه زاده می‌شوند و این نابرابری در امکانات، به فرزندان آن‌ها نیز خواهد رسید. طبقه‌ی مرفه فرزندان کمتر با امکانات بیشتر دارند در حالی که شرایط در طبقه‌ی محروم بر عکس می‌باشد. علاوه بر این در این قانون غربالگری نیز اختیاری است و تنها مسئولیت پزشک، «پیشنهاد» است از این رو اقشار مرفه جامعه اقدام به غربالگری می‌کنند در حالی که اقشار فقیر به دلیل مسائل مالی چنین کاری را انجام نمی‌دهند و امکان تولد کودکان بیمار در این طبقه افزایش می‌یابد.

یکی دیگر از مشکلات این طرح، ساده سازی جرم در جامعه خواهد بود. این طرح، یک اقدام عادی مانند خرید و فروش یک وسیله‌ی پیشگیری پلاستیکی ساده را جرم تلقی می‌کند. به فرض این که این طرح اجرایی شود تمام افرادی که از وسایل پیشگیری استفاده می‌کنند مجرم تلقی می‌شوند. این موضوع تمام افراد جامعه را به صورت بالفعل برای خرید یک وسیله‌ی شخصی تبدیل به مجرم می‌نماید.

اجرای این طرح باعث اشاعه‌ی بیماری‌های روانی در زنان خواهد شد. استرس، افسردگی و پرخاشگری نمونه‌ای از بیماری‌های روحی است که دیر یا زود به سراغ زنان ایران خواهد آمد. باید در نظر گرفت اجرای چنین طرحی اساساً ورود به حریم خصوصی افراد است و وجاهت نخواهد داشت و زنان برای یک رابطه‌ی جنسی مشروع با همسرشان اضطراب خواهند داشت.

تمایل به سقط غیر قانونی در زنان افزایش پیدا خواهد کرد که این مساله نیز باعث بیماری خواهد شد دلیل آن نیز این است که زنان مجبورند به مکان‌هایی مراجعه کنند که افراد غیر کارشناس و در مکانی غیر بهداشتی اقدام به سقط می‌نمایند و این مساله باعث سقط عفونی خواهد شد. بیماری‌های مقاربتی به شدت در جامعه افزایش پیدا خواهد کرد زیرا قانون‌گذار تمایل داشته که به شیوه‌های انقلابی خرید و فروش وسایل پیشگیری را ممنوع نماید. با اجرای چنین طرحی باروری ناخواسته و فرزندان نامشروع در جامعه روندی رو به رشد خواهد داشت و ایران به زودی در سال‌های آتی با کودکانی بدون شناسنامه مواجه است که به وسیله‌ی این طرح به دنیا آمده‌اند اما همین قانونی که باعث به دنیا آوردن آنان شده است به آنان شناسنامه نخواهد داد.

در خصوص نقد بر این قانون می‌توان گفت که در صورتی می‌توان از ابزار کیفری استفاده کرد که یک قطعیت در نگرش افکار عمومی به موضوع جرم‌انگاری شده وجود داشته باشد. در مورد مسائلی که جامعه به قطعیت در قضاوت نرسیده و گفتگویی در مورد آن شکل نگرفته و حوزه عمومی نسبت به آن همچون یک مسئله و امر متعلق به عموم نگاه نمی‌کند، نباید قانون گذاری کرد و به ویژه یک رویکرد قطعیت‌گرا را نباید انتخاب کرد. در این میان قانون‌گذار به تغییر سبک زندگی و الگوی آن کمتر توجه کرده است.

با توجه به مطالب ارائه شده در این مقاله، پیشنهاد می‌شود به منظور کارآمدی قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰، اقدامات لازم به منظور اصلاح برخی از مواد این قانون، از جمله مجازات‌های تعیین شده ذیل مواد ۵۸ و ۶۱، در راستای عمل به اصل تناسب جرم و مجازات و اصل حداقل‌گرایی کیفری صورت گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود که به منظور پیشگیری از افزایش جرایم ناشی از اجرای این قانون، قانون‌گذار سیاست‌های غیر کیفرگونه را در راستای کاهش سقط جنین بالاخص در بین زوج‌های جوان اتخاذ نماید.



منابع

۱. بیگی، جمال (۱۳۹۹)، سیاست جنایی ایران در ماده ۳۸۱ قانون مجازات اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی میان رشته‌ای، دوره اول، شماره چهارم، صفحات ۱-۱۳.
۲. دلماس مارتی، میری (۱۳۹۵)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
۳. غلامی، حسین (۱۳۹۱)، اصل حداقل بودن حقوق جزا، فصلنامه پژوهشی حقوق کیفری. دوره ۱. شماره ۲، ص ۴۱-۶۵
۴. غلامی، حسین؛ رستمی، هادی؛ خدادادی، سید بهمن؛ نوابی، زینب؛ روستایی، مهرانگیز (۱۳۹۳). اصل حداقل بودن حقوق جزا. تهران. میزان
۵. غلامی، حسین؛ رحمانی، محمد. (۱۳۹۶). مختصات تئوریک سیاست جنایی حکومت جمهوری اسلامی ایران (تحلیل مبانی، اصول و مدل‌بندی در مقام تئوری). فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱۸، ص ۹-۳۸.
۶. فلاحی، احمد (۱۴۰۱). باز اندیشی شناخت مسأله و راهکار؛ نگاهی انتقادی به رویکرد جرم انگارانه قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت. نشریه سیاست گذاری عمومی، شماره ۳۰، ص ۲۰۶-۲۱۷
۷. قانون حایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰
۸. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
۹. گلدوزیان، ایرج، جمال انصاری، اسلام مندنی، سلمان کونانی (۱۳۹۳)، سیاست جنایی: از گفتمان تا برساخت‌هایی ریزومیک شده و ناروا، تهران: مجد.
۱۰. محرابیان، آزاده، و صدقی سیگارچی، نازیلا (۱۳۸۹). تاثیر رشد جمعیت بر رشد اقتصادی در کشورهای چهار گروه درآمدی. اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، دوره ۵، شماره ۱۳، ص ۹۷-۱۱۴.
۱۱. محسنی، فرید؛ رحیمیان، رضا (۱۳۹۸). اصل تعیین حداقل کیفر حبس. نشریه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۶، شماره ۳، ص ۱۴۹-۱۸۲
۱۲. مقدسی، محمدباقر؛ روستایی، مهرانگیز (۱۴۰۰). افزایش جمعیت از رهگذر حداقل گرایی کیفری؛ نگاهی به فرایند تصویب و چالش های قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت. نشریه آموزه های حقوق کیفری، دوره ۱۸، شماره ۲۲، ص ۲۸۵-۳۱۲
۱۳. مؤمنی، مهدی؛ ظفری، محمد رضا؛ رضایی، رحمت الله؛ ونکی، احمد رضا (۱۴۰۰). جرم شناسی. تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۴. میرکمالی، سید علیرضا (۱۳۹۶). مبانی فقی - حقوقی جرم انگاری تجاوز زناشویی. نشریه خانواده پژوهی، شماره ۵۱، ص ۴۰۵-۳۸۹

15. Hart, Herbert, 2009, Law, Freedom & Ethics, translated by Mohammad Rasekh, first edition, New Design Publishing [in Persian].
16. Javan, Musa, 1950, Fundamentals of Law, thitd volume, chap-e Rangin company, Tehran (in Persian).
17. Mendes, S. M. (2004), Certainty Severity and Their Relative Deterrent Effects: Questioning and Implication of Role of Risk in Criminal Deterrence Policy, The Policy Studies Journal, vol 32(1), 59-74



Family & Youth Protection Law in the Light of Criminal Law Principles

Seyed Alireza Mirkamali

Assistant Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Sarmirkamali54@gmail.com

Faeze Khalafi

M.A Student in Department of Criminal Law & Criminology, Payam Noor University, Tehran, Iran
Faeze.khalafi1370@gmail.com

Abstract

Background & Purpose: In recent years, Iran has faced a crisis in the name of declining birth rate and population growth. This issue caused many challenges in different social, political and economic fields.

Research Method: The present article has analyzed articles of the mentioned law in a descriptive-analytical way.

Findings: In order to solve this crisis and solve these challenges, the Islamic Council approved a law called the "Family and Youth Protection Law", some of its legal provisions were challenged.

Result: In addition to the many incentive mechanisms that this law has provided, it also adopted punitive measures and imposed severe punishments, which are in conflict with the principle of equality and proportionality of crime and punishment, as well as the principle of criminal minimalism; Among them, Article 58 of the Family and Youth Protection Law, which refers to the severe punishment of third-degree punishment under Article (19) of the Islamic Penal Code approved on 1/2/2019, or Article 61 of this law, which punishes the crime of "corruption on earth" for Abortion is considered.

Keywords: Family & Youth Protection Law, Abortion, Proportion of Crime & Punishment, Criminal Minimalism